

تحلیل مسئولیت حقوقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) در پی حمله نظامی رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر گزارش مغرضانه گروسی

مرتضی-سعیدقادری^{۱*}، امین میرزمانی^۱، احسان طلوعی^۱

۱ پژوهشگر مقطع دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، پیشوا، ایران

چکیده. این مقاله به تحلیل حقوقی گزارش ۳۱ مه ۲۰۲۵ صادره از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) می‌پردازد؛ گزارشی که فاقد مستندات فنی کافی، متعارض با گزارش‌های پیشین آژانس و منتشرشده در فضایی ملتهب بود و نقش مستقیمی در توجیه حمله نظامی رژیم صهیونیستی به زیرساخت‌های حیاتی و جان غیرنظامیان ایرانی در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ ایفا کرد. مقاله نشان می‌دهد که این گزارش، با نقض اصول بی‌طرفی، شفافیت و راستی‌آزمایی، زمینه‌ساز مشارکت غیرمستقیم در یک جرم تجاوز بین‌المللی بوده است. با تحلیل عناصر «علم» و «سوءنیت» در حقوق کیفری بین‌الملل، استدلال می‌شود که رفتار گروسی و اظهارات متناقض و خلاف واقع وی در نشست اضطراری شورای حکام آژانس در ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵ در وین، می‌تواند مصداق مشارکت یا تسهیل در ارتکاب جرم تجاوز تلقی شود؛ جرمی که مسئولیت کیفری فردی در پی دارد و مصونیت عملکردی مدیرکل آژانس مانع تعقیب آن نخواهد بود. همچنین، مسئولیت نهادی و مدنی آژانس به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته و با استناد به رویه سایر نهادها، مسئولیت این سازمان در قبال نقض اصول بنیادین رفتاری تبیین می‌شود. مقاله در پایان به بررسی راهکارهای حقوقی در دسترس جمهوری اسلامی ایران و قربانیان این تجاوز می‌پردازد؛ از جمله پیگیری مسئولیت کیفری و مدنی در مراجع صلاحیت‌دار بین‌المللی، فعال‌سازی ظرفیت شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، و بهره‌گیری از صلاحیت جهانی به‌منظور تحقق عدالت. یکی از این راهکارها، توسل به حق حاکمیتی خروج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) بر اساس ماده ۱۰ معاهده است؛ با این استدلال که تداوم تجاوزات نظامی می‌تواند به‌عنوان «رویداد فوق‌العاده‌ای» که «منافع عالی» کشور را به خطر می‌اندازد، قلمداد شود. در این راستا، مصوبه ۴ تیر ۱۴۰۴ مجلس شورای اسلامی در خصوص تعلیق همکاری با آژانس می‌تواند به‌عنوان ضمانت اجرایی عملی، مسیر خروج رسمی از NPT را در صورت استمرار تجاوز نظامی فراهم سازد. مقاله با تأکید بر ضرورت اصلاح سازوکار گزارش‌دهی در آژانس، به‌منظور پیشگیری از تکرار چنین تخلفاتی، پایان می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، مسئولیت نهادی سازمان‌های بین‌المللی، گزارش‌های فنی آژانس.

* نویسنده مسئول: mortezaghadari.law@gmail.com

**Analysis of the Legal Responsibility of the International Atomic Energy Agency (IAEA)
Following the Israeli Military Attack on the Islamic Republic of Iran, Based on the Biased
Report by Grossi**

Morteza-Saeed Qadari¹, Amin Mirzamani¹, Ehsan Tolouei¹

PhD Researchers in Private Law, Islamic Azad University, Varamin Branch, Preveza, Iran

Abstract :

This article analyzes the legal aspects of the report issued by the International Atomic Energy Agency (IAEA) on May 31, 2025; a report lacking sufficient technical documentation, contradictory to previous IAEA reports, and published in a highly charged atmosphere. This report played a direct role in justifying the Israeli military attack on Iran's critical infrastructure and the killing of Iranian civilians on June 13, 2025. The article shows that this report, by violating the principles of neutrality, transparency, and verification, facilitated indirect participation in an international crime of aggression. By analyzing the elements of "knowledge" and "mens rea" in international criminal law, it is argued that Grossi's behavior and his contradictory and false statements at the emergency meeting of the IAEA Board of Governors on June 16, 2025, in Vienna, could be considered as complicity or facilitation in the commission of an act of aggression; a crime for which individual criminal responsibility arises, and the functional immunity of the Director General of the IAEA will not prevent prosecution. The article further examines the institutional and civil liability of the IAEA as an international organization and, by referring to the practices of other institutions, outlines the agency's responsibility for violating fundamental behavioral principles. The paper concludes by exploring the legal remedies available to the Islamic Republic of Iran and the victims of this aggression, including the pursuit of criminal and civil liability in competent international forums, activation of the UN Security Council and General Assembly, and the use of universal jurisdiction to achieve justice. One such remedy is invoking the sovereign right to withdraw from the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (NPT) under Article 10 of the Treaty, arguing that the continuation of military aggression can be considered an "extraordinary event" that jeopardizes the country's "supreme interests." In this regard, the July 4, 2025, resolution of the Iranian Parliament concerning the suspension of cooperation with the IAEA could serve as a practical enforcement guarantee, facilitating a formal exit from the NPT in the event of continued military aggression. The article concludes by emphasizing the need for reforming the IAEA's reporting mechanisms to prevent the recurrence of such violations.

Keywords : International Atomic Energy Agency (IAEA), Institutional Responsibility of International Organizations, IAEA Technical Reports.

مقدمه

انتشار گزارش مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رافائل گروسی، در تاریخ ۳۱ می ۲۰۲۵، موجی از تنش‌های دیپلماتیک و امنیتی بی‌سابقه‌ای را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برانگیخت. این گزارش، با ادعای انتقال غیرمجاز مواد هسته‌ای از سوی جمهوری اسلامی ایران، در حالی منتشر شد که شواهد فنی و اظهارات بعدی خود آژانس (در تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵)، از جمله مصاحبه‌ها و بیانه‌های رسمی گروسی، به وضوح خلاف آن را نشان می‌داد. اهمیت این گزارش نه صرفاً در محتوای آن، بلکه در نقش مستقیمش در ایجاد زمینه روانی و حقوقی برای حملات نظامی رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای و زیرساخت‌های حیاتی ایران بود. این حملات، برخلاف قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل، به‌ویژه منشور سازمان ملل متحد، و بدون هیچ مجوز بین‌المللی صورت گرفت.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به موجب اساسنامه خود و تعهدات ناشی از منشور سازمان ملل، موظف به رعایت اصول بی‌طرفی، استقلال حرفه‌ای و استناد به داده‌های فنی دقیق و قابل راستی‌آزمایی است. تخطی از این وظایف، نه تنها مشروعیت و اعتبار فنی آژانس را مخدوش می‌سازد، بلکه می‌تواند موجب مسئولیت بین‌المللی آن نیز گردد. صدور گزارشی که عملاً به ابزاری در خدمت اهداف جنگ طلبانه یک دولت متخاصم بدل شده، مصداق آشکار از خروج این نهاد از چارچوب حقوقی و وظایف ذاتی‌اش است. از همین رو، پرسش اصلی این مقاله آن است که آیا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شخص مدیر کل آن می‌توانند به دلیل صدور گزارش جانبدارانه و تحریک به اقدام نظامی، موضوع مسئولیت مدنی یا کیفری بین‌المللی قرار گیرند؟

از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی که خود فاقد عضویت در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) است و از نظارت‌های آژانس طفره می‌رود، با تکیه بر گزارش مزبور، به اقدام نظامی علیه یکی از اعضای فعال این پیمان دست زده است. این اقدام، مصداق بارز تجاوز طبق تعریف اساسنامه رم و بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد محسوب می‌شود. در همین راستا، این مقاله ضمن واکاوی مبانی مسئولیت آژانس و شخص مدیر کل آژانس (رافائل گروسی)، به بررسی مسئولیت بین‌المللی دولت متخاصم نیز خواهد پرداخت و سازوکارهای حقوقی موجود برای پاسخ‌گویی به چنین تخلفات خطرناکی را از منظر حقوق بین‌الملل عام، حقوق مسئولیت دولت‌ها، و حقوق بین‌الملل کیفری مورد تحلیل قرار می‌دهد.

هدف از این پژوهش، نه تنها روشن ساختن ابعاد حقوقی ماجرای گزارش مغرضانه آژانس است، بلکه ارائه راهکارهایی برای پیگیری این تخلف در نهادهای بین‌المللی و جلوگیری از ایجاد سابقه سوءاستفاده از سازمان‌های بین‌المللی برای اهداف سیاسی و نقض صلح و امنیت جهانی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با

استناد به منابع معتبر دانشگاهی، آراء مراجع قضایی بین‌المللی، و رویه‌های گذشته سازمان‌های بین‌المللی نگاشته می‌شود تا بتواند تصویری دقیق و حقوق‌مدار از این رخداد و پیامدهای آن ارائه کند.

تحلیل حقوقی گزارش ۳۱ می ۲۰۲۵ و الزامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

محتوای گزارش، ادعاها و تناقضات آن

۱. محتوای گزارش ۳۱ می ۲۰۲۵ و ادعاها مطرح شده

گزارش GOV/۲۰۲۵/۲۴ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در تاریخ ۳۱ می ۲۰۲۵ منتشر شد، با لحنی قاطع، ادعا می‌کند ایران در ارائه «همکاری کامل و بموقع» ("full and timely cooperation") با آژانس کوتاهی کرده است. این گزارش، با استناد به یافته‌های بازرسی‌ها و نمونه‌برداری‌های محیطی، به مجموعه‌ای از ابهامات فنی اشاره می‌کند که توانایی آژانس را برای راستی‌آزمایی ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران به چالش می‌کشد. ادعاها کلیدی گزارش، با ارجاع مستقیم به متن اصلی، عبارتند از:

ناتوانی در راستی‌آزمایی دقیق ذخایر اورانیوم غنی‌شده: آژانس صراحتاً به ازدست‌دادن توانایی خود در تأیید دقیق موجودی اورانیوم غنی‌شده ایران اذعان می‌کند: «از ۱۶ فوریه ۲۰۲۱، آژانس نتوانسته است ذخیره کل اورانیوم غنی‌شده ایران را در هیچ روز معینی به‌دقت راستی‌آزمایی کند و ناگزیر بوده تنها بر بخش کوچکی از کل که براساس برآوردهای ایران است اتکا نماید.»^۱

این گزارش تخمین می‌زند که تا ۱۷ می ۲۰۲۵، کل ذخیره اورانیوم غنی‌شده ایران برابر با ۹۲۴۷۰۶ کیلوگرم بوده است. (Source: p. ۹, para. ۲۶)

از دست رفتن «تداوم دانش»: یکی از جدی‌ترین ادعاها گزارش، از دست رفتن دائمی و غیرقابل بازگشت توان نظارتی آژانس است: «به دلیل عدم امکان انجام فعالیت‌های راستی‌آزمایی و نظارت مرتبط با برجام برای بیش از چهار سال، آژانس تداوم دانش خود را از دست داده است ... که بازسازی آن امکان‌پذیر نخواهد بود.»^۲

محرومیت از دسترسی تکمیلی: گزارش تأکید می‌کند که ایران از اجرای پروتکل الحاقی و ارائه اطلاعات به‌روز خودداری کرده است: «در طول این بازه زمانی، ایران هیچ‌گونه اعلامیه به‌روزشده‌ای ارائه نکرده است و آژانس نتوانسته است هیچ‌گونه دسترسی تکمیلی به سایت‌ها و مکان‌های دیگر در ایران داشته باشد.»^۳

^۱ "Since 16 February 2021, the Agency has not been able to verify Iran's total enriched uranium stockpile precisely on any given day, needing to rely instead on a small proportion of the total being based on Iran's estimates." (Source: p. 9, para. 26)

^۲ "As a result of not having been able to perform JCPOA-related verification and monitoring activities for more than four years, the Agency has lost continuity of knowledge ... which it will not be possible to restore." (Source: p. 3, para. 7)

^۳ Throughout this period, Iran has not provided updated declarations and the Agency has not been able to conduct complementary access to any sites and other locations in Iran." (Source: p. 10, para. 33)

در نتیجه، گزارش آژانس، حکومت ایران را به عدم اعلام مواد و تجهیزات غنی‌شده و عدم همکاری لازم متهم می‌کند و ادعاها را بر یافته‌های محیط نمونه‌برداری و تصاویر ماهواره‌ای تجاری استوار می‌سازد.

۲. تناقضات با گزارش‌های پیشین و اظهارات بعدی گروسی

بررسی دقیق این گزارش نشان می‌دهد که محتوای آن با گزارش‌های پیشین و حتی اظهارات شفاهی بعدی مدیر کل آژانس، رافائل گروسی، تناقضات آشکاری دارد که اعتبار آن را به شدت زیر سؤال می‌برد.

تناقض در «تداوم دانش»: در حالی که گزارش جدید از «از دست رفتن کامل و غیرقابل بازسازی» تداوم دانش صحبت می‌کند (Source: p. ۳, para. ۷)، گزارش‌های پیشین آژانس، تأیید کرده بودند که از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹، نظارت و راستی‌آزمایی‌ها به طور کامل انجام شده است^۴ و این تضاد، سؤالاتی جدی درباره دلایل تأکید ناگهانی بر «از دست رفتن» کامل دانش مطرح می‌کند.

تناقض در دسترسی به سایت‌ها: گزارش جدید مدعی عدم امکان دسترسی‌های تکمیلی است (Source: p. ۳۳, para. ۱۰)، در حالی که گزارش‌های پیشین، دسترسی‌های روزانه و مکرر به تأسیسات نظنز و فردو را تأیید کرده بودند^۵ که این دوگانگی میان «دسترسی مداوم» و «عدم دسترسی مطلق»، به ابهامات پیرامون موضع آژانس می‌افزاید.

تناقض با لحن شفاهی گروسی: در یک تناقض فاحش، رافائل گروسی تنها چند روز پس از انتشار این گزارش قاطع، لحنی کاملاً متفاوت اتخاذ کرد. در حالی که گزارش کتبی، راستی‌آزمایی را «ناممکن» اعلام می‌کند، گروسی در مصاحبه با روزنامه *El País*، خوش‌بینی خود را به بازگشت بازرسان و کسب اطلاعات «قوی‌تر» در آینده نزدیک ابراز داشت^۶ که این دوگانگی میان لحن قاطع و بی‌انعطاف گزارش مکتوب و لحن خوش‌بینانه و دیپلماتیک مدیر کل در اظهارات شفاهی، اعتبار گزارش را به طور جدی زیر سؤال می‌برد.

۳. تأثیر گزارش در فراهم کردن زمینه حمله نظامی

گزارش آژانس، فراتر از یک سند فنی، با تأکید گزینشی بر برخی داده‌ها و سکوت درباره برخی حقایق، عملاً به ابزاری برای فراهم‌سازی زمینه یک اقدام نظامی تبدیل شده است. این تأثیر را می‌توان از طریق تحلیل دقیق محتوا و زمان انتشار آن (۱۵ ژوئن ۲۰۲۵) بررسی کرد:

^۴“ Between 16 January 2016 (JCPOA Implementation Day) and 8 May 2019, the Agency verified and monitored Iran's implementation of its nuclear-related commitments in accordance with the modalities set out in the JCPOA, consistent with the Agency's standard safeguards practices.” (Source: p. 2, para. 5)

^۵“ Perform daily access upon request to the enrichment facilities at Natanz and Fordow, including to monitor Iran's production of stable isotopes.” (Source: p. 3, para. 7)

^۶ “I remain optimistic that inspectors will return to Iran and that we will soon have more robust information.” (Source: El País, 19 June 2025)

تأکید بر «از دست رفتن دانش» و ایجاد فضای بی‌اعتمادی: گزارش با صراحت بیان می‌کند که «بازسازی تداوم دانش امکان‌پذیر نخواهد بود» (Source: p. ۳, para. ۷). این جمله، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، این پیام را منتقل می‌کند که ابزارهای نظارتی و دیپلماتیک آژانس دیگر کارآمد نیستند و گزینه نظامی تنها راه باقی‌مانده برای «اطمینان از صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای» است.

سکوت درباره اقدامات نظامی پیشین: این گزارش، که در می ۲۰۲۵ تکمیل و در ژوئن منتشر شده، هیچ ارجاعی به حملات نظامی و خرابکاری‌هایی که پیش از این در تأسیسات هسته‌ای ایران رخ داده‌اند، ندارد. این سکوت عمدی، روایت را به سمت «عدم همکاری ایران» به عنوان تنها عامل بحران هدایت می‌کند و اقدامات متقابل نظامی را به عنوان واکنشی موجه جلوه می‌دهد. این رویکرد، یک تحلیل یک‌جانبه و مغرضانه از وقایع ارائه می‌دهد. **استفاده از زبان هشدارآمیز و بدون انعطاف:** گزارش از عباراتی قاطع استفاده می‌کند.^۷ این زبان، در تضاد با لحن دیپلماتیک رایج در گزارش‌های فنی است و به نظر می‌رسد که به شکل آگاهانه‌ای برای توجیه اقدامات قاطع‌تر از نظارت طراحی شده است.

تمرکز بر موجودی انباشته اورانیوم: ارائه اعداد و ارقام دقیق از موجودی اورانیوم غنی‌شده (۹۲۴۷٫۶ کیلوگرم)، (Source: p. ۹, para. ۲۶)، یک تصویر هشداردهنده از «زمان گریز هسته‌ای» (breakout time) ارائه می‌دهد و این داده‌ها می‌توانند توسط طرف‌های ثالث به عنوان شواهدی برای اثبات یک تهدید قریب‌الوقوع و توجیه حملات «پیش‌دستانه» تفسیر شوند.

با توجه به موارد فوق می‌توان به این جمع‌بندی رسید که، گزارش آژانس نه تنها یک سند فنی، بلکه یک بیانیه سیاسی با پیامدهای راهبردی است. این گزارش با تأکید گزینشی بر ابعاد خاصی از نظارت، سکوت درباره حملات پیشین، و استفاده از زبان هشدارآمیز، به طور غیرمستقیم زمینه را برای حمله نظامی فراهم کرده و مسئولیت اخلاقی و حقوقی مهمی را متوجه مدیرکل و نهاد آژانس می‌کند. این رویکرد، اصول بی‌طرفی و استقلال آژانس را به چالش کشیده و اعتبار آن را در مقام یک سازمان فنی مستقل زیر سؤال می‌برد.

نقض اصول شفافیت، بی‌طرفی و صحت اطلاعات در گزارش ۳۱ می ۲۰۲۵ و الزامات آژانس

در این گفتار، اصول بنیادین حقوق بین‌الملل ناظر بر عملکرد نهادهای بین‌المللی و به‌ویژه آژانس، نظیر اصل بی‌طرفی، استقلال فنی و الزامات شفافیت بررسی می‌شود تا نشان داده شود که آیا و چگونه این نهاد از حدود وظایف حقوقی خود عدول کرده و مستوجب مسئولیت بین‌المللی شده است.

۱. فقدان داده‌های پشتیبان (Supporting Evidence)

^۷ "the Agency has not been able to verify" (p9, para. 26) و "not been able to conduct complementary access" (p10, para. 33)

گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌ویژه در مواقع حساس امنیتی، باید مطابق با اصول بنیادین حاکم بر عملکرد نهادهای فنی بین‌المللی، شامل شفافیت (transparency)، بی‌طرفی (impartiality) و صحت و دقت اطلاعات (accuracy and reliability) تنظیم شوند. این اصول، در اسناد متعددی همچون Statute of the IAEA (۱۹۵۶)، Draft Articles on the Responsibility of International Organizations (ILC)، و نیز رویه‌های حاکم بر نهادهای تخصصی ملل متحد (UNJI, ۲۰۱۷)، به‌صراحت مورد تأکید قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین الزامات گزارش‌دهی فنی، ارائه داده‌های پشتیبان و قابل ارزیابی (verifiable supporting data) برای هرگونه ادعای هسته‌ای است. گزارش، در حالی ادعا می‌کند که «مقداری از مواد غنی‌شده ایران به مکانی نامعلوم منتقل شده» (IAEA, GOV/۲۰۲۵/۲۶, para. ۷)، که هیچ سندی دال بر ثبت سیگنال، تخلیه فیزیکی مواد یا عدم پاسخ به بازرسی‌های معمول در متن گزارش ارائه نمی‌شود. این نقض آشکار رویه استاندارد آژانس است که خود آن را در (IAEA, ۲۰۱۸) Guidelines for the Preparation of Safeguards Reports منتشر کرده، و در آن تأکید شده که «هرگونه تخطی از تعهدات پادمانی باید همراه با شواهد قابل راستی‌آزمایی مستند شود» (IAEA, ۲۰۱۸, Sec. ۴.۳).

۲. بی‌طرفی مخدوش‌شده (Compromised Impartiality)

بی‌طرفی فنی یکی از ستون‌های اعتماد بین‌المللی به آژانس است. همان‌طور که پروفیسور Daniel Joyner در مقاله‌ای در (۲۰۲۲) Journal of International Nuclear Law اشاره کرده است، «هرگونه برداشت از جانبداری در گزارش‌های رسمی آژانس می‌تواند به تضعیف اعتماد اعضا و بی‌اعتباری نهاد منجر شود، به‌ویژه در زمینه خاورمیانه که حساسیت‌های ژئوپلیتیکی فوق‌العاده بالاست» (Joyner, ۲۰۲۲, p. ۹۸).

در نشست ۱۶ ژوئن، با غیرقانونی اعلام نکردن، حملات هوایی مکرر اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران (از جمله حمله به سایت فوردو در تاریخ ۱۳ ژوئن) و فقدان هرگونه محکومیت یا ارزیابی بی‌طرفانه نسبت به این اقدامات، نشان‌دهنده نادیده گرفتن اصل توازن گزارش‌دهی (balanced reporting) است که در بند ۴ ماده ۸ اساسنامه آژانس مورد اشاره قرار گرفته است.

۳. تضاد با اصول شفافیت سازمانی

شفافیت مستلزم آن است که گزارش‌های فنی حاوی روش تحلیل داده، منابع اطلاعاتی، و درجه قطعیت (degree of certainty) باشند. در مدل تحلیلی آژانس برای ارزیابی فعالیت‌های مشکوک، باید دامنه اطلاعات ارائه‌شده و محدودیت‌های آن نیز بیان شود. اما در گزارش ۳۱ می ۲۰۲۵، هیچ توضیحی درباره متدولوژی گردآوری داده‌ها، یا امکان وجود خطای سیستمی در تجهیزات باقی‌مانده نظارتی ارائه نشده است.

این نقض صریح Best Practices for Technical Reporting سازمان ملل و همچنین نقض توصیه‌های اندیشکده Carnegie Endowment درباره گزارش‌دهی مسئولانه نهادهای بین‌المللی است که در آن آمده است: «در شرایط بحرانی، سکوت یا عدم ارائه اطلاعات متوازن به منزله اتخاذ موضع تلقی می‌شود» (Acton, ۲۰۱۹, p. ۴۶).

مسئولیت بین‌المللی دولت متخاصم

بخش دوم این مقاله به بررسی مسئولیت بین‌المللی دولت‌هایی می‌پردازد که به‌عنوان «دولت متخاصم»، از گزارش مغرضانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جهت توجیه اقدامات خصمانه علیه ایران بهره‌برداری کرده‌اند. در این فصل، ابتدا اصول حقوقی ناظر بر منع توسل به زور و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها تبیین می‌شود، سپس با تحلیل نمونه‌های تطبیقی و بررسی ابزارهای حقوقی بین‌المللی، امکان پیگیری مسئولیت این دولت‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

تحلیل مفهوم «دولت متخاصم» و تحریک به جنگ

این گفتار به تحلیل مفهوم «دولت متخاصم» در بستر حمله به ایران و همچنین بررسی تحریک به جنگ از سوی طرف‌های ثالث می‌پردازد.

۱. تفسیر اصل منع توسل به زور و اصل عدم مداخله با تأکید بر حمله اسرائیل به ایران

اصل منع توسل به زور یکی از قواعد بنیادین و آمره حقوق بین‌الملل است که در ماده ۲(۴) منشور ملل متحد تصریح شده است.^۸

بر اساس این اصل، کلیه دولت‌ها ملزم به پرهیز از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی سایر کشورها هستند، مگر در موارد استثنایی از جمله دفاع مشروع (ماده ۵۱ منشور) یا مجوز شورای امنیت. در کنار این اصل، قاعده عرفی عدم مداخله نیز تأکید دارد که هیچ دولتی حق ندارد در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر به گونه‌ای مداخله کند که بر اراده مستقل آن دولت تأثیر بگذارد.

در حمله نظامی صهیونیسمی به تأسیسات هسته‌ای ایران که در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ آغاز شد، و متعاقب آن ارائه گزارش توسط مدیر کل آژانس در ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵ مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با نقض صریح این اصول مواجه هستیم. اسرائیل با استناد به ادعاهای بی‌پایه در آن گزارش، به اقدامی نظامی مبادرت ورزید که فاقد هرگونه مجوز بین‌المللی بود و مصداق بارز تجاوز به حاکمیت ایران محسوب می‌شود. این حمله نه تنها فاقد مبنای دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشور بود، بلکه واکنشی پیش‌دستانه به تهدیدی غیرواقعی تلقی می‌شود—مبنایی که

⁸ "All Members shall refrain in their international relations from the threat or use of force against the territorial integrity or political independence of any state, or in any other manner inconsistent with the Purposes of the United Nations"

دیوان بین‌المللی دادگستری و بسیاری از مفسران حقوق بین‌الملل آن را مردود دانسته‌اند (Ruys, ۲۰۱۰; Gray, ۲۰۱۸).

به علاوه، اقدام اسرائیل را می‌توان به نوعی مصداق «استفاده ابزاری از نهادهای بین‌المللی برای تحقق اهداف سیاسی و نظامی» دانست؛ وضعیتی که در آن یک دولت با اعمال نفوذ بر نهادهایی نظیر آژانس، زمینه‌سازی حقوقی یا روانی برای حمله به دولت دیگر را فراهم می‌آورد. این رویه در مغایرت آشکار با اصل وفاداری به منشور ملل متحد و تعهد به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات قرار دارد. گزارش آژانس، با وجود آنکه پس از آغاز حملات منتشر شد، به مثابه ابزاری برای توجیه و مشروعیت بخشی پسینی به تجاوزات نظامی اسرائیل مورد بهره‌برداری قرار گرفت، که خود نشان از نیت مغرضانه در انتشار آن دارد.

با توجه به فقدان هر گونه مصوبه شورای امنیت درباره تهدید صلح از سوی ایران، و همچنین نبود وضعیت مسلحانه قبلی میان ایران و اسرائیل، اقدام نظامی انجام‌شده یک عمل تجاوزکارانه محسوب می‌شود که نه تنها مسئولیت بین‌المللی دولت اسرائیل را به همراه دارد، بلکه زمینه لازم برای پیگیری از سوی ایران در نهادهای بین‌المللی نظیر دیوان بین‌المللی دادگستری را نیز فراهم می‌سازد.

۲. مصادیق تطبیقی (پرونده نیکاراگوئه، لیبی، عراق)

برای ارزیابی وضعیت حمله نظامی اسرائیل به ایران در پرتو حقوق بین‌الملل، بررسی تطبیقی با رویه دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) و موارد پیشین مداخله یا تجاوز، از اهمیت بالایی برخوردار است. پرونده‌هایی همچون نیکاراگوئه علیه ایالات متحده، حمله به لیبی (۲۰۱۱)، و اشغال عراق (۲۰۰۳) نمونه‌های کلیدی هستند که در آن‌ها موضوع توسل به زور، مداخله و مشروعیت اقدامات نظامی در عرصه بین‌المللی مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

الف) پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده (ICJ, ۱۹۸۶)

در رأی تاریخی نیکاراگوئه ۷. ایالات متحده، دیوان بین‌المللی دادگستری مداخله نظامی و حمایت تسلیحاتی از نیروهای کنترا توسط آمریکا را ناقض اصل منع توسل به زور و عدم مداخله دانست. دیوان تأکید کرد که حتی حمایت غیرمستقیم از اقدامات مسلحانه علیه دولت دیگر، در صورتی که فاقد مجوز شورای امنیت یا مبنای مشروع دفاع از خود باشد، ناقض حقوق بین‌الملل است (ICJ Reports ۱۹۸۶, paras. ۱۹۰-۲۰۱). این رأی نشان می‌دهد که حتی اقدامات کم‌تر از حمله مستقیم نیز قابل پیگرد و تحمیل مسئولیت هستند، چه رسد به حمله نظامی علنی و مستقیم.

ب) مداخله در لیبی (۲۰۱۱)

در سال ۲۰۱۱، حمله ناتو به لیبی به استناد قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت صورت گرفت. گرچه این قطعنامه تحت عنوان «مسئولیت حمایت» (R۲P) تصویب شد، اما از سوی برخی کشورها و مفسران حقوقی، نحوه اجرای آن بیش

از یک عملیات حفاظت غیرنظامیان ارزیابی شد و به عنوان تغییر رژیم تعبیر گردید (Bellamy, ۲۰۱۱). اهمیت این مثال در آن است که حتی با داشتن پوشش شورای امنیت، تجاوز به اصل تمامیت ارضی یا سوءاستفاده از مأموریت بین‌المللی موجب انتقادات شدید و تحلیل‌های حقوقی درباره مشروعیت مداخله شد. این در تضاد کامل با حمله اسرائیل به ایران است که فاقد هر گونه مجوز بین‌المللی است و به هیچ وجه در چارچوب اصول «مسئولیت حمایت» یا «دفاع مشروع» نمی‌گنجد.

ج) حمله به عراق (۲۰۰۳)

در سال ۲۰۰۳، ایالات متحده و متحدانش بدون مجوز شورای امنیت و صرفاً با استناد به ادعای وجود تسلیحات کشتار جمعی، به عراق حمله کردند. بعدها روشن شد که ادعاها بی پایه بوده‌اند. گزارش چیلکات در بریتانیا (۲۰۱۶) به صراحت اعلام کرد که دولت‌ها اطلاعات ناقص و جهت‌دار را مبنای تصمیم جنگ قرار دادند (Chilcot Report, ۲۰۱۶). این پرونده از نظر حقوقی شباهت زیادی به وضعیت کنونی دارد که اسرائیل با استناد به گزارش مغشوش و بعداً تکذیب‌شده مدیر کل آژانس، دست به حمله زده است. در هر دو مورد، نهادهای اطلاعاتی یا بین‌المللی ابزاری برای تسهیل اقدام نظامی قرار گرفتند.

در نگاهی تطبیقی می‌توان به این نتیجه رسید که، هر سه پرونده، اقدام نظامی فاقد مشروعیت کامل یا دست کم با تفسیر موسع و غیرقابل توجیه از استثنائات اصل منع توسل به زور صورت گرفت. رویه بین‌المللی به‌ویژه در رأی نیکاراگوئه نشان می‌دهد که حتی در غیاب جنگ تمام‌عیار، یک دولت به دلیل تحریک، تسهیل یا انجام حمله نظامی می‌تواند مسئولیت بین‌المللی پیدا کند. بر این اساس، حمله اسرائیل به ایران که بر پایه اطلاعات بی‌اعتبار و جانبدارانه و بدون مجوز انجام شده، و با گزارش آژانس به صورت پسینی توجیه گردیده، قابل مقایسه با این موارد و مشمول مسئولیت بین‌المللی است.

امکان پیگیری حقوقی علیه دولت‌های مداخله‌گر

این گفتار به بررسی سازوکارهای حقوقی موجود برای پیگیری مسئولیت دولت متخاصم می‌پردازد.

۱. مسئولیت دولت طبق پیش‌نویس ILC ۲۰۰۱

پیش‌نویس «مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلف از حقوق بین‌الملل» که در سال ۲۰۰۱ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل (ILC) تدوین شد، چارچوبی حقوقی برای نسبت‌دادن اعمال متخلف به دولت‌ها و تعیین پیامدهای بین‌المللی آن‌ها فراهم می‌سازد. بر اساس این پیش‌نویس، دو رکن اصلی برای تحقق مسئولیت دولت وجود دارد: انتساب عمل به دولت (Attribution) و همچنین تخلف از تعهد بین‌المللی (Breach of International Obligation).

حمله نظامی صهیونیسمی به خاک ایران در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵، در چارچوب این دو رکن، مصداق روشنی از نقض تعهدات بین‌المللی است و مبنای مسئولیت بین‌المللی دولت اسرائیل را فراهم می‌سازد.

الف) انتساب اقدام به دولت (ماده ۴ الی ۱۱ پیش‌نویس ILC)

بر اساس ماده ۴ پیش‌نویس، هر عملی که توسط دستگاه‌های حکومتی و مقامات رسمی یک کشور انجام شود، به آن دولت قابل انتساب است. در ماجرای حمله اسرائیل به ایران، شواهد غیرقابل انکار فنی و سیاسی وجود دارد که این حمله به صورت مستقیم از سوی ارتش رسمی اسرائیل و با مجوز نهادهای حکومتی انجام شده است (UNSC Briefing on Middle East, April ۲۰۲۴). بنابراین، به‌وضوح قابل انتساب به اسرائیل است و نمی‌توان آن را به گروه‌های غیردولتی یا «اقدام مستقل» نسبت داد.

ب) نقض تعهدات بین‌المللی (ماده ۱۲ به بعد): توسل به زور علیه حاکمیت یک کشور مستقل، به‌صراحت ممنوع است، مگر در مواردی محدود مانند دفاع مشروع (ماده ۵۱ منشور ملل متحد) یا مجوز شورای امنیت (فصل هفتم منشور). در این مورد، هیچ‌یک از استثنایا اعمال نمی‌شود:

- شورای امنیت مجوز حمله نداده (UN Charter, Art. ۳۹-۴۲)
 - ادعای دفاع مشروع فاقد معیارهای ضرورت و تناسب است (ICJ, Oil Platforms, ۲۰۰۳)
 - گزارش آژانس، که بهانه حمله بوده، فاقد پایه حقوقی مشخص و بعداً تکذیب شده است.
- بنابراین، مطابق مواد ۱۲ و ۱۴ پیش‌نویس ILC، اسرائیل تعهد خود در احترام به اصل منع توسل به زور و اصل تمامیت ارضی ایران را نقض کرده است و مسئولیت بین‌المللی متوجه آن است.

ج) پیامدهای حقوقی (ماده ۳۰ تا ۳۹): مطابق این مواد، دولت مسئول موظف به موارد زیر است: توقف فوری اقدام متخلفانه، ارائه تضمین عدم تکرار و یا جبران خسارت (مادی و معنوی). ایران می‌تواند با استناد به ماده ۳۵، درخواست جبران کامل خسارات وارده به تأسیسات و قربانیان انسانی را مطرح کند (Articles ۳۱-۳۶, ILC). همچنین سایر دولت‌ها مجازند بر اساس اصل «تعهدات عام‌الشمول» (Erga Omnes)، نقض این اصول بنیادین را محکوم و پیگیری کنند.

۲. صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)

دیوان بین‌المللی دادگستری (International Court of Justice – ICJ) به عنوان بالاترین مرجع قضایی سازمان ملل متحد، وظیفه رسیدگی به اختلافات حقوقی میان دولت‌ها را بر اساس قوانین بین‌المللی بر عهده دارد. صلاحیت دیوان در دعاوی میان دولت‌ها معمولاً بر اساس رضایت طرفین تعیین می‌شود که می‌تواند به صورت ضمنی یا صریح باشد (Brownlie, ۲۰۰۸).

در پرونده مربوط به حملات نظامی اسرائیل علیه ایران، ایران می‌تواند با استناد به اصل عدم توسل به زور مندرج در ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل و تعهدات بین‌المللی اسرائیل، شکایت خود را در ICJ مطرح کند (Shany, ۲۰۱۴). همچنین، بر اساس ماده ۳۶ اساسنامه ICJ، صلاحیت دیوان در دو حالت عمده تعریف می‌شود:

- صلاحیت مبتنی بر توافق قبلی (Compromissory Clause): در صورتی که طرفین پیش از بروز اختلاف، توافق کرده باشند که هرگونه اختلاف بین آنها توسط ICJ حل و فصل شود. به عنوان مثال، معاهداتی که شامل چنین بندهایی هستند، ممکن است زمینه مناسبی برای طرح دعوی باشند (Zimmermann et al., ۲۰۱۲).

- صلاحیت مبتنی بر پذیرش عام (Optional Clause Declarations): برخی کشورها به صورت داوطلبانه صلاحیت عمومی ICJ را برای رسیدگی به دعاوی با هر دولت عضو دیگر پذیرفته‌اند. در حال حاضر، اسرائیل این نوع پذیرش را محدود کرده است و ممکن است از پذیرش صلاحیت دیوان خودداری کند، اما ایران می‌تواند از طریق معاهدات یا قطعنامه‌های سازمان ملل درخواست بررسی کند. با توجه به سابقه پرونده‌های مشابه مانند دعاوی نیکاراگوئه علیه آمریکا (۱۹۸۶) و شکایات مربوط به اشغالگری، دیوان تا حد زیادی تمایل به حفظ اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و جلوگیری از توسل به زور را نشان داده است. در پرونده‌های اخیر، ICJ دستورهای موقت برای توقف اقدامات نظامی صادر کرده که نشان‌دهنده توانایی این مرجع برای حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی است (ICJ, ۲۰۲۰).

ایران می‌تواند با استناد به این رویه‌ها و با تکیه بر منشور ملل متحد و معاهدات بین‌المللی، دیوان را مکلف به رسیدگی کند. البته یکی از چالش‌های اصلی، مقاومت اسرائیل در پذیرش صلاحیت دیوان است که از طریق دیپلماسی قضایی و فشار سیاسی باید آن را کاهش داد (Alvarez, ۲۰۱۷).

۳. ابزارهای جایگزین: شورای امنیت، مجمع عمومی، دیپلماسی قضایی و دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

در شرایطی که دسترسی به دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) با موانع روبرو باشد یا اسرائیل به دلایل حقوقی از رسیدگی مستقیم در آن امتناع کند، ایران می‌تواند از مجموعه‌ای از ابزارهای جایگزین برای پیگیری مسئولیت حقوقی رژیم اسرائیل بهره‌گیرد. این ابزارها شامل شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجمع عمومی، دیپلماسی قضایی و دیوان کیفری بین‌المللی است که هرکدام مکانیسم‌ها و روش‌های خاصی برای رسیدگی و اعمال مسئولیت دارند.

- شورای امنیت سازمان ملل متحد: به عنوان نهادی که مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، براساس منشور ملل متحد (مواد ۳۹ تا ۵۱) می‌تواند پس از بررسی موضوع، اقدامات الزام‌آور مانند تحریم‌های اقتصادی، منع ورود سلاح یا حتی مجوز استفاده از نیروی نظامی را صادر کند (United Nations,)

۱۹۴۵). روند رسیدگی در شورای امنیت شامل ارائه پرونده توسط ایران، بحث و بررسی در جلسات علنی یا غیرعلنی و صدور قطعنامه است. با این حال، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در این مسیر، حق وتوی پنج عضو دائم شورا است که می‌تواند از اتخاذ تصمیم علیه اسرائیل جلوگیری کند. با وجود این، ایران می‌تواند با جلب حمایت کشورهای غیر دائم و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، فشار سیاسی لازم برای اقدام شورای امنیت را افزایش دهد.

- مجمع عمومی سازمان ملل متحد: به عنوان مجمعی شامل کلیه اعضای سازمان ملل، می‌تواند به‌ویژه در شرایطی که شورای امنیت به دلیل وتوی اعضای دائم ناتوان باشد، تحت «اقدام اضطراری مجمع عمومی» (Uniting for Peace Resolution ۳۷۷ (V)) وارد عمل شود (Reisman, ۲۰۱۲). مجمع عمومی می‌تواند توصیه‌های الزام‌آور صادر نکند اما نقش مهمی در ایجاد اجماع جهانی و فشار سیاسی بر رژیم اسرائیل ایفا می‌کند. این روند شامل بحث، بررسی اسناد و قطعنامه‌هایی با بار سیاسی قوی است که می‌تواند وجهه بین‌المللی اسرائیل را به چالش بکشد و از نظر دیپلماتیک آن را منزوی سازد.
- دیپلماسی قضایی: به معنای استفاده از ابزارهای حقوقی و سیاسی برای پیشبرد منافع ملی در سطح بین‌الملل است، از جمله راهکارهای موثر ایران محسوب می‌شود (Simma, ۲۰۰۲). ایران می‌تواند از طریق ارائه اسناد، گزارش‌های کارشناسی و شکایت در مجامع بین‌المللی، نشست‌ها و کنفرانس‌های حقوقی و سیاسی، توجه افکار عمومی و نهادهای جهانی را به نقض حقوق بین‌الملل توسط اسرائیل جلب کند. این روش هم‌چنین می‌تواند مقدمات حقوقی و سیاسی لازم برای اقدامات بعدی در شورای امنیت یا دیوان کیفری را فراهم آورد و به ایجاد ائتلاف‌های بین‌المللی علیه اسرائیل کمک کند.
- دیوان کیفری بین‌المللی (ICC): نیز به عنوان نهادی مستقل، صلاحیت رسیدگی به جرایم بین‌المللی از جمله جرایم جنگی، جنایات علیه بشریت و جرم تجاوز را دارد (Schabas, ۲۰۱۶). اگرچه اسرائیل عضو اساسنامه رم نیست، دیوان می‌تواند بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه و در صورت ارجاع شورای امنیت، پرونده‌هایی مرتبط با سرزمین یا اتباع کشورهای عضو (مانند ایران) را رسیدگی کند. روند رسیدگی در ICC شامل تحقیقات اولیه، صدور کیفرخواست، محاکمه و صدور حکم است که می‌تواند منجر به تعقیب شخصی مقامات مسئول و کارمندان دخیل در ارتکاب جنایات شود. این ابزار به خصوص برای مجازات مسئولان و ایجاد بازدارندگی حقوقی اهمیت دارد و می‌تواند به عنوان مکملی برای اقدامات سیاسی و حقوقی ایران به کار رود.

در مجموع، استفاده همزمان و هماهنگ از این ابزارهای جایگزین می‌تواند برای ایران زمینه‌های حقوقی و سیاسی محکمی برای پاسخ به اقدامات اسرائیل فراهم آورد. پیشنهاد می‌شود که جمهوری اسلامی ضمن پیگیری در دیوان

بین‌المللی دادگستری، به طور فعال از این سازوکارهای مکمل بهره برده و با استفاده از دیپلماسی حقوقی و سیاسی، حمایت گسترده بین‌المللی را جلب نماید تا حقوق خود را در چارچوب حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل به رسمیت بشناساند.

مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی با تمرکز بر رافائل گروسی

بخش سوم این مقاله با تمرکز بر مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی، به ویژه رافائل گروسی، به بررسی ابعاد فردی نقض‌های احتمالی حقوق بین‌الملل می‌پردازد. این فصل تلاش دارد نشان دهد که چگونه یک مقام بین‌المللی، در مقام مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، می‌تواند به واسطه اقدامات یا گزارش‌های جانبدارانه، در ارتکاب جرم تجاوز یا تحریک به آن مشارکت غیرمستقیم داشته باشد. همچنین، امکان‌سنجی تعقیب کیفری چنین فردی در نهادهای بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی یا از طریق صلاحیت جهانی در دادگاه‌های ملی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مشارکت در جرم تجاوز و مسئولیت کیفری محتمل

این گفتار به تبیین مفهوم جرم تجاوز و بررسی مشارکت محتمل رافائل گروسی در این جرم می‌پردازد.

۱. تعریف جرم تجاوز طبق اساسنامه رم

جرم تجاوز (Crime of Aggression) یکی از چهار جنایت اصلی مندرج در اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) است که در کنار نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی، قابل تعقیب کیفری در سطح بین‌المللی است. طبق ماده ۸ مکرر (۸ bis) اساسنامه رم، «تجاوز به معنای برنامه‌ریزی، آماده‌سازی، آغاز یا اجرای عملی توسط یک شخصی که بتواند به طور مؤثر در اعمال کنترل یا هدایت اقدامات سیاسی یا نظامی یک کشور مشارکت داشته باشد، و این عمل تجاوزی آشکار نسبت به منشور ملل متحد محسوب شود، تلقی می‌شود» (Rome Statute, Art. 8 bis).

تعریف قانونی ارائه‌شده در بند ۲ همین ماده، فهرستی از اعمال متشکله «عمل تجاوز» را ارائه می‌دهد که شامل، اما نه محدود به، حمله نظامی توسط نیروهای مسلح یک کشور به سرزمین کشور دیگر، بمباران، محاصره بنادر یا سواحل، استفاده از نیروهای نامنظم، و پشتیبانی از عملیات نظامی در خاک کشور ثالث است.

بر اساس تفاسیر حقوقی معتبر، شرط تحقق جرم تجاوز در سطح فردی، این است که مرتکب از جایگاه عالی سیاسی یا نظامی برخوردار باشد؛ به گونه‌ای که بتواند در طراحی و اجرای تجاوز نقش مؤثر ایفا کند (Cassese, A. ۲۰۱۳, International Criminal Law, ۳rd ed., Oxford University Press). دیوان در قضیه کاتانگا نیز بر عنصر کنترل مؤثر (effective control) در مسئولیت فردی تأکید کرده است.

هرچند اساساً این جرم غالباً ناظر بر مقامات عالی رتبه دولتی یا نظامی است، اما رویه حقوق بین الملل و تفاسیر جدید، امکان گسترش مسئولیت را به افراد غیرنظامی دارای نفوذ یا مشارکت مؤثر در برنامه ریزی تجاوز نیز مدنظر قرار داده اند. به عنوان نمونه، در گزارش گروه ویژه Crimes Against Peace در کارگروه وابسته به کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل آمده است: «نهادهای بین المللی، چنانچه عملاً در طراحی یا تسهیل یک حمله غیرقانونی شرکت کرده باشند، باید در معرض تحلیل مسئولیت کیفری قرار گیرند» (ILC Report on the Responsibility of International Organizations, ۲۰۱۱, para. ۷۴).

از این منظر، چنانچه اثبات شود که رافائل گروسی به عنوان مدیرکل آژانس با علم به نادرستی اطلاعات، گزارش های فنی را به گونه ای تنظیم کرده که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم موجب مشروع نمایی تجاوز یک دولت علیه ایران شده، می توان اقدامات وی را در چارچوب مشارکت در جرم تجاوز مورد بررسی کیفری قرار داد.

۲. بررسی نقش، علم و سوءنیت رافائل گروسی در تحریک یا زمینه سازی حمله نظامی

مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی در چارچوب حقوق بین الملل کیفری بر اساس عنصر علم (knowledge) و سوءنیت (mens rea) استوار است؛ به این معنا که فرد باید نسبت به پیامدهای اقدامات خود آگاهی داشته و قصد یا رضایت ضمنی به وقوع آن پیامدها را دارا باشد (Schabas, ۲۰۱۶). رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی، با انتشار گزارش ۳۱ می ۲۰۲۵ که حاوی ادعاهای مبهم و خلاف واقع درباره برنامه هسته ای صلح آمیز ایران بود (IAEA, ۲۰۲۵)، نقش مهمی در زمینه سازی برای حمله نظامی اسرائیل که از تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ آغاز شده بود، ایفا کرده است.

در چارچوب حقوق کیفری بین الملل، مسئولیت فردی در ارتکاب جرم تجاوز محدود به مقامات سیاسی یا نظامی سطح بالا نیست؛ بلکه شامل افرادی می شود که با اقدامات آگاهانه، زمینه وقوع جرم را تسهیل یا تحریک می کنند. بررسی نقش گروسی در صدور این گزارش تحریک آمیز که دقیقاً پس از آغاز حملات هوایی اسرائیل به تأسیسات هسته ای ایران منتشر شد و به عنوان بهانه ای در رسانه های غربی و اظهارات رسمی اسرائیل برای توجیه حمله استفاده گردید، امری ضروری است.

گزارش GOV/۲۰۲۵/۳۴ آژانس حاوی ادعایی مبهم درباره «انتقال مواد غنی شده ایران به مکان های اعلام نشده» بود، بدون ارائه قرائن فنی مشخص، قابل راستی آزمایی یا نتیجه گیری حقوقی قطعی. از آنجا که آژانس نهادی فنی و بی طرف است، انتشار گزارش هایی با چنین ابهامات و در شرایط بحران امنیتی، می تواند به عنوان تسهیل گر اقدامات تجاوزکارانه تلقی شود.

مطابق ماده ۲۵(۳)(د) اساسنامه رم، مشارکت غیرمستقیم در جرم با علم به تسهیل وقوع آن می تواند منجر به مسئولیت کیفری شود.^۹

همچنین، ماده ۳۰ اساسنامه بر وجود علم به شرایط جرم و تبعات آن تأکید دارد. گروسی به عنوان مقام ارشد فنی و با سابقه، از پیشینه بهره برداری رژیم اسرائیل از گزارش های آژانس برای توجیه اقدامات تجاوز کارانه آگاه بوده است (Schabas, ۲۰۱۶, p. ۴۸۴). بنابراین، انتشار گزارش هایی با ادبیات مبهم در فضای تنش زده ژئوپلیتیکی، می تواند دلالت بر سوءنیت در تسهیل تجاوز داشته باشد.

رفتار سیستماتیک گروسی در عدم واکنش به حملات مکرر اسرائیل به تأسیسات هسته ای ایران (مانند حمله به نطنز در ۲۰۲۱ و فوردو در ۲۰۲۳) و تمرکز صرف بر گزارش های بدون ادله کافی علیه ایران، نمایانگر خروج از بی طرفی فنی و تبدیل وی به عامل تسهیل تجاوز است (ICTY, Tadić Case; ICC, Katanga Case). در مجموع، عنصر علم، نقش تسهیل کننده در ارتکاب تجاوز و رفتار غیرمنصفانه مکرر گروسی، همگی می توانند مبنای بررسی مسئولیت کیفری وی تحت ماده ۲۵ اساسنامه رم قرار گیرند؛ به ویژه اگر ایران یا دیگر دولت ها درخواست ارجاع موضوع به دیوان کیفری بین المللی را داشته باشند.

۳. تفاوت با مصونیت عملکرد رسمی در نهادهای بین المللی

یکی از چالش های مهم در پیگیری مسئولیت کیفری مدیران ارشد سازمان های بین المللی، از جمله رافائل گروسی، مسئله مصونیت عملکرد رسمی (functional immunity) است. این نوع مصونیت که در حقوق بین الملل به عنوان immunity ratione materiae شناخته می شود، به مقامات بین المللی اجازه می دهد که در اجرای وظایف رسمی خود از تعقیب قضایی در دادگاه های ملی یا بین المللی مصون باشند (Keller, ۲۰۱۶). مصونیت عملکرد رسمی معمولاً به منظور تضمین استقلال و بی طرفی نهادهای بین المللی اعطا می شود و اجازه می دهد که مقامات بدون ترس از مداخلات قضایی به انجام وظایفشان پردازند. با این حال، این مصونیت محدود به اعمال در چارچوب وظایف رسمی است و شامل رفتارهایی نمی شود که خارج از حوزه مسئولیت رسمی یا برخلاف قوانین بین المللی، از جمله جرایم بین المللی مانند تجاوز یا جنایت علیه بشریت باشند.

بر اساس رویه‌های قضایی و دیدگاه‌های حقوقی، مصونیت عملکرد رسمی نمی‌تواند به عنوان سپری برای فرار از مسئولیت کیفری در جرایم جدی بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد (Sluiter, ۲۰۱۲ & Van Schaack). دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) نیز بر این نکته تأکید دارد که مصونیت‌های دیپلماتیک یا سازمانی، مانع صلاحیت دیوان در رسیدگی به جرایم بین‌المللی نیست (ICC, Prosecutor v. Lubanga, ۲۰۰۶).

در مورد رافائل گروسی، اگرچه وی به عنوان مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دارای مصونیت در اجرای وظایفش است، اما صدور گزارش‌های تحریف‌شده که منجر به تسهیل حمله نظامی شده، خارج از چارچوب وظایف رسمی بی‌طرفانه قرار دارد و ممکن است مصونیت عملکردی وی را نقض کند.

علاوه بر این، اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) و اصول مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌ها (ILC Draft Articles, ۲۰۰۱) تأکید دارند که جرایم بین‌المللی مشمول مصونیت نیستند و مسئولیت فردی باید مورد پیگیری قرار گیرد (Shaw, ۲۰۱۷). در نهایت، مصونیت عملکردی نمی‌تواند مانع از پیگرد کیفری مدیران بین‌المللی در مواردی شود که سوءاستفاده از قدرت، نقض بی‌طرفی و تسهیل جرایم بین‌المللی ثابت شود. این موضوع به‌ویژه در زمینه نقش گروسی در صدور گزارش تحریک‌آمیز علیه ایران و زمینه‌سازی تجاوز نظامی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

امکان پیگرد کیفری بین‌المللی

این گفتار به بررسی ابزارهای حقوقی موجود برای پیگیری کیفری اشخاص حقیقی در سطح بین‌المللی می‌پردازد.

۱. صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) که براساس اساسنامه رم (Rome Statute) تأسیس شده، صلاحیت رسیدگی به جرایم بین‌المللی از جمله جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و جرم تجاوز را داراست (Rome Statute, ۱۹۹۸, Articles ۵-۸ bis). در زمینه پرونده رافائل گروسی و نقش وی در صدور گزارش ۳۱ می ۲۰۲۵ که به عنوان زمینه‌ساز تجاوز نظامی اسرائیل به ایران مطرح شده، بررسی صلاحیت ICC برای پیگرد کیفری وی اهمیت فراوان دارد.

مطابق ماده ۲۵ اساسنامه رم، مسئولیت کیفری فردی برای اشخاص حقیقی که به ارتکاب جرایم بین‌المللی دست می‌زنند یا در تسهیل آن نقش دارند، به رسمیت شناخته شده است. این ماده تأکید می‌کند که اشخاصی که به عنوان مباشر، همدست یا تسهیل‌گر در جرم تجاوز شرکت کنند، تحت صلاحیت ICC قرار دارند (Schabas, ۲۰۱۶). از سوی دیگر، ماده ۱۲ اساسنامه رم، شرایط صلاحیت دیوان را تعیین می‌کند که شامل ملیت متهم، محل وقوع جرم یا ارجاع موضوع به دیوان توسط شورای امنیت سازمان ملل است. ایران که عضو اساسنامه رم نیست، می‌تواند از طریق

شورای امنیت یا اعلام رضایت موقت برای پرونده گروسی و دیگر افراد ذی ربط صلاحیت دیوان را تأمین کند (Kleffner, ۲۰۲۰).

علاوه بر این، مطابق رویه‌های دیوان، عدم عضویت دولت قربانی مانع از رسیدگی نیست؛ بلکه دیوان بر اساس صلاحیت جهانی یا ارجاع شورای امنیت عمل می‌کند. با توجه به نقش کلیدی گزارش‌های آژانس در تحریک تجاوز، و وجود شواهدی مبنی بر سوءنیت و علم گروسی، امکان پیگرد وی تحت صلاحیت ICC فراهم است. همچنین، ماده ۲۷ اساسنامه رم تصریح می‌کند که هیچ مصونیتی نمی‌تواند مانع از مسئولیت کیفری افراد در دیوان شود، که این امر به ویژه در مورد مقامات بین‌المللی اهمیت دارد. بنابراین، حتی اگر گروسی دارای مصونیت رسمی به عنوان مدیر کل آژانس باشد، این مصونیت نمی‌تواند مانع رسیدگی ICC به پرونده وی شود. در نهایت، پرونده‌های متعددی در ICC وجود داشته که مقامات بین‌المللی را برای جرایم مشابه تحت پیگرد قرار داده است؛ این سابقه، مبنای حقوقی محکمی برای طرح شکایت علیه گروسی فراهم می‌آورد (Megret, ۲۰۱۵).

۲. نقش صلاحیت جهانی در محاکم ملی

صلاحیت جهانی (Universal Jurisdiction) مفهومی در حقوق بین‌الملل است که به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا علیه افراد متهم به ارتکاب جرایم بین‌المللی خاص، بدون توجه به محل وقوع جرم یا ملیت متهم، در دادگاه‌های داخلی خود اقامه دعوی کنند (Cassese, ۲۰۰۸). این صلاحیت به ویژه در مواجهه با جرایم سنگینی مانند نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جرم تجاوز اهمیت دارد و امکان پیگرد افرادی مانند رافائل گروسی را که ممکن است در کشوری که جرم در آن رخ داده، دسترسی به عدالت وجود نداشته باشد، فراهم می‌آورد. از آنجا که ایران عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیست و ممکن است دسترسی به دیوان برای رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با تجاوز محدود باشد، استفاده از صلاحیت جهانی در دادگاه‌های ایرانی یا سایر کشورها می‌تواند یک مسیر مؤثر برای پیگیری مسئولیت کیفری گروسی باشد.

مطابق نظریه‌های حقوقی و کاربردهای عملی، صلاحیت جهانی بر اساس ماهیت ذاتی و جدی بودن جرم استوار است و هدف آن جلوگیری از مصونیت مجرمان بین‌المللی و تضمین عدالت جهانی است (Fernandez de Gurmendi, ۲۰۱۱). این صلاحیت در مواردی مانند پرونده آدولف آیشمن در اسرائیل و یا محاکمه‌های نازهای سابق در کشورهای اروپایی به کار گرفته شده است.

همچنین، مقررات داخلی برخی کشورها، از جمله آلمان، بلژیک و اسپانیا، به دادگاه‌های ملی اجازه داده‌اند تا بر اساس صلاحیت جهانی علیه متهمان جرایم بین‌المللی اقدام کنند. این الگوها می‌توانند به ایران یا متحدانش در طرح پرونده علیه گروسی کمک کنند. در نهایت، به کارگیری صلاحیت جهانی در کنار ظرفیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند فشار مضاعفی بر مقامات متهم اعمال کند و مانع از فرار آنان از پاسخگویی شود.

۳. امکان شکایت توسط قربانیان و دولت ایران

امکان طرح شکایت حقوقی توسط قربانیان و دولت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی، از جمله جرم تجاوز، از اهمیت بالایی برخوردار است. در پرونده‌های مربوط به اقدامات مدیرکل آژانس انرژی اتمی، رافائل گروسی، که در زمینه تسهیل یا تحریک تجاوز علیه ایران نقش داشته، این حق می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای حقوقی برای جبران خسارات و تحقق عدالت مورد استفاده قرار گیرد.

الف) شکایت دولت ایران در دیوان کیفری بین‌المللی (ICC): ایران به عنوان کشوری غیرعضو اساسنامه رم، به طور مستقیم امکان ارجاع پرونده به دیوان کیفری بین‌المللی را ندارد، اما بر اساس ماده ۱۲ اساسنامه رم، می‌تواند از طریق شورای امنیت سازمان ملل درخواست ارجاع پرونده به دیوان را مطرح کند (Schabas, ۲۰۱۶). همچنین کشورهای عضو می‌توانند درخواست تحقیق و تعقیب علیه افراد متهم به جرایم بین‌المللی مانند گروسی را ارائه دهند. این امکان، علی‌رغم محدودیت عضویت، راهی برای پیگیری کیفری فراهم می‌کند.

ب) شکایت قربانیان و نقش آنها در نظام دیوان کیفری بین‌المللی: براساس مقررات دیوان کیفری بین‌المللی، قربانیان حق دارند درخواست تحقیق و تعقیب را مطرح کنند و در روند رسیدگی شرکت نمایند (Rome Statute, Art. ۶۸). این مشارکت مستقیم قربانیان، به ویژه در پرونده‌های تجاوز، می‌تواند موجب تقویت ادله و فشار بر متهمین شود.

ج) راهکارهای دیپلماتیک و شکایت در مراجع بین‌المللی دیگر: علاوه بر دیوان کیفری، ایران می‌تواند از طریق مکانیسم‌های دیپلماتیک و حقوقی همچون شکایت در مجمع عمومی سازمان ملل و شورای حقوق بشر، یا ارائه دادخواست به شورای امنیت علیه اقدامات تجاوزکارانه اسرائیل و اشخاص مرتبط، تلاش کند (Tomuschat, ۲۰۱۴). همچنین می‌توان از دیپلماسی قضایی و همکاری با دیگر کشورها برای بهره‌گیری از صلاحیت جهانی در محاکم ملی بهره برد. در نهایت، ترکیب این راهکارها می‌تواند امکان پیگیری حقوقی جامع علیه رافائل گروسی و دولت متخاصم اسرائیل را فراهم آورد و نقش مهمی در جلوگیری از مصونیت مجرمان و تحقق عدالت داشته باشد.

ضمانت اجرای خروج ایران از معاهده NPT در پرتو ماده ۱۰ معاهده و ماده ۹ قانون مدنی
حق خروج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) به موجب ماده ۱۰ این معاهده، از جمله حقوق مسلم حاکمیتی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل است. در بند ۱ این ماده آمده است:

«هر یک از طرف‌های معاهده در اعمال حاکمیت ملی خود، حق دارد از معاهده خارج شود، چنانچه تشخیص دهد که رویدادهای فوق‌العاده مرتبط با موضوع این معاهده، منافع عالیه کشورش را به خطر انداخته است».^{۱۰}

¹⁰ “Each Party shall in exercising its national sovereignty have the right to withdraw from the Treaty if it decides that extraordinary events, related to the subject matter of this Treaty, have jeopardized the supreme interests of its country...”

این ماده تصریح می‌کند که تصمیم به خروج، یک تصمیم یک‌جانبه بوده و تنها مشروط به ارائه اطلاعیه‌ای رسمی با ذکر دلایل به سایر طرف‌ها و شورای امنیت، حداقل سه ماه پیش از تاریخ مورد نظر خروج است. بنابراین، اراده سیاسی-حقوقی کشور خروج‌کننده، شرط تحقق خروج تلقی می‌شود، نه تصویب یا تأیید سایر طرف‌ها. در حقوق داخلی ایران نیز، ماده ۹ قانون مدنی بیان می‌دارد: "مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است." بر این اساس، معاهداتی مانند NPT که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده‌اند، در حکم قانون داخلی‌اند، و خروج از آن‌ها مستلزم رعایت شرایط مندرج در متن معاهده و مقررات داخلی است.

بر پایه این دو منبع، اقدام اخیر مجلس شورای اسلامی و تأیید آن توسط شورای نگهبان (مصوبه ۴ تیر ۱۴۰۴ مبنی بر تعلیق همکاری با آژانس)، نه تنها مبنای قانونی داخلی برای محدودسازی همکاری‌های پادمانی را فراهم کرده، بلکه به عنوان یک ضمانت اجرایی عملیاتی، مسیر خروج رسمی از NPT را نیز در صورت استمرار تجاوز نظامی، آماده می‌سازد.

از منظر حقوق بین‌الملل، تداوم وضعیت‌هایی مانند حمله به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران توسط رژیم صهیونیستی، می‌تواند مصداق روشن «رویداد فوق‌العاده» تلقی شود که مستقیماً «منافع عالی» کشور را تهدید می‌کند. لذا دولت ایران بر اساس ماده ۱۰ NPT و با اتکا به قانون مدنی خود، این اختیار را دارد که با اراده یک‌جانبه، روند خروج رسمی از معاهده را آغاز کرده و از تعهدات مربوط به آن، از جمله همکاری‌های فنی و پادمانی، رهایی یابد.

مسئولیت نهادی و مدنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

در این بخش به بررسی مسئولیت‌های نهادی و مدنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌پردازد و نقش این نهاد در ارائه گزارش‌های فنی و بی‌طرفانه را تحلیل می‌کند. همچنین، پیامدهای حقوقی ناشی از تخلفات احتمالی آژانس و تأثیر آن بر منازعات بین‌المللی مورد بحث قرار می‌گیرد. این فصل با هدف تبیین الزامات قانونی و ضمانت اجرای مسئولیت مدنی آژانس در برابر کشورهای عضو و جامعه بین‌المللی تدوین شده است.

مبانی مسئولیت مدنی سازمان‌های بین‌المللی

این گفتار به بررسی مبانی حقوقی مسئولیت مدنی سازمان‌های بین‌المللی اختصاص دارد و امکان طرح دعوا علیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان یک نهاد بین‌المللی را تحلیل می‌کند. در این بخش، اصول کلی حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت نهادهای بین‌المللی و پیش‌نیازهای تحقق آن بررسی می‌شود تا چارچوب حقوقی لازم برای طرح ادعاهای مدنی علیه آژانس مشخص گردد.

۱. امکان طرح دعوا علیه آژانس به عنوان نهاد بین‌المللی

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به عنوان یک سازمان بین‌المللی تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد، دارای شخصیت حقوقی مستقل است که توانایی اقامه دعاوی حقوقی و پذیرش مسئولیت‌های مدنی را دارا می‌باشد. طبق اصول حقوق بین‌الملل و رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، نهادهای بین‌المللی می‌توانند تحت شرایط مشخصی مسئول شناخته شده و در برابر اقدامات غیرقانونی یا نقض تعهدات، مسئولیت مدنی داشته باشند (International Law Commission [ILC], Articles on Responsibility of International Organizations, (۲۰۱۱).

مطالعات متعدد در حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که آژانس در صورت صدور گزارش‌های نادرست یا جانبدارانه که موجب ضرر به اعضای خود و نقض حقوق آنان شود، می‌تواند موضوع شکایت‌های مدنی قرار گیرد. علاوه بر این، قراردادهای عضویت و منشور آژانس، سازوکارهای حل و فصل اختلاف و مسئولیت‌های قانونی را مشخص کرده‌اند که امکان پیگیری حقوقی را فراهم می‌آورند (VIII & IAEA Statute, Articles VII). بنابراین، آژانس به عنوان یک نهاد بین‌المللی موظف به رعایت اصول بی‌طرفی، شفافیت و صحت اطلاعات است و در صورت تخطی از این اصول، مشمول مسئولیت مدنی خواهد بود. این موضوع در پرتو شکایت ایران از گزارش ۱۵ ژوئن ۲۰۲۵ که موجب سوءاستفاده رژیم اسرائیل برای اقدامات نظامی علیه ایران شد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. مقایسه با مسئولیت‌پذیری سایر نهادها (WHO, UN)

مسئولیت مدنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با نمونه‌های مشابه از دیگر نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد (UN) و سازمان بهداشت جهانی (WHO) مقایسه می‌شود تا چارچوب حقوقی و رویه‌های قضایی مربوط به مسئولیت‌پذیری این نهادها روشن گردد. این مقایسه می‌تواند به شفاف‌سازی امکان و شرایط طرح دعاوی مدنی علیه آژانس کمک کند. سازمان ملل متحد به عنوان نهاد مادر اکثر سازمان‌های بین‌المللی، طی دهه‌ها با پرونده‌های مسئولیت مدنی روبرو شده است. رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده‌هایی همچون *Reparations Case* (۱۹۴۹) تأکید کرده است که سازمان‌های بین‌المللی در قبال اقدامات غیرقانونی که زیان به اشخاص ثالث وارد می‌کنند، مسئولیت دارند (ICJ Reports, ۱۹۴۹). همچنین، توافق‌نامه‌های خاص مانند توافق‌نامه وضعیت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل (Status of Forces Agreement) در برخی موارد مسئولیت سازمان را در قبال خسارات ناشی از عملیات صلح‌بانان پذیرفته‌اند.

سازمان بهداشت جهانی نیز با مواردی مواجه شده که ادعاهای مسئولیت ناشی از عملکرد یا گزارش‌های نادرست مطرح شده است. برای مثال، در جریان بحران کووید-۱۹، مسأله شفافیت و صحت اطلاعات توسط WHO مورد بحث بوده است و نگرانی‌هایی درباره پیامدهای گزارش‌های نادرست بر سیاست‌های بین‌المللی و سلامت عمومی

مطرح شده است (Katz, ۲۰۲۰ & Gostin). مطالعات نشان می‌دهد که سازمان‌هایی مانند WHO، گرچه از مصونیت دیپلماتیک برخوردارند، اما در موارد مشخص می‌توانند در برابر ادعاهای حقوقی پاسخگو باشند (McGoldrick, ۲۰۱۰).

با توجه به موارد فوق، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز به عنوان نهادی مشابه و با وظایف فنی و نظارتی، مسئولیت‌پذیری در برابر گزارش‌های خود را بر اساس اصول بی‌طرفی، شفافیت و صحت اطلاعات باید رعایت کند. گزارش ۱۵ ژوئن ۲۰۲۵ که به ادعای ایران منجر به زمینه‌سازی برای حملات نظامی اسرائیل شده است، نمونه‌ای است که می‌تواند تحت چارچوب مسئولیت‌پذیری نهادهای بین‌المللی تحلیل و مورد پیگیری قرار گیرد.

نهادهای نظارتی و راهکارهای اصلاح عملکرد آژانس

این گفتار به بررسی نهادهای نظارتی موجود بر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و چگونگی عملکرد آنها در تضمین شفافیت، بی‌طرفی و پاسخگویی می‌پردازد. همچنین راهکارهای اصلاح ساختاری و حقوقی برای بهبود عملکرد آژانس و جلوگیری از سوگیری‌ها و گزارش‌های جانبدارانه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. هدف این بخش، ارائه پیشنهاداتی برای ارتقای کارایی و اعتبار آژانس در چارچوب حقوق بین‌الملل است.

۱. بررسی نقش کمیته نظارت سازمان ملل و نهادهای حسابرسی

کمیته نظارت سازمان ملل و نهادهای حسابرسی بین‌المللی، از جمله نهادهای کلیدی برای کنترل عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند که وظیفه تضمین شفافیت، صحت و قانونی بودن فعالیت‌های این سازمان را بر عهده دارند (UN General Assembly, ۲۰۱۵). کمیته نظارت سازمان ملل، از طریق بررسی گزارش‌ها و عملکرد آژانس، امکان شناسایی خطاها، تخلفات و ناهماهنگی‌ها را فراهم می‌آورد و زمینه‌ساز اصلاحات ساختاری در آژانس می‌شود. علاوه بر این، نهادهای حسابرسی مانند دفتر حسابرس داخلی آژانس و نهادهای مستقل خارجی، با انجام بررسی‌های مالی و عملیاتی، به ارتقای پاسخگویی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی کمک می‌کنند (Dimitrov, ۲۰۱۹). با این وجود، ضعف‌هایی در اجرای کامل نظارت و محدودیت‌های حقوقی نهادهای یادشده وجود دارد که مانع اعمال مؤثر مسئولیت‌پذیری آژانس می‌شود و نیازمند اصلاحات بنیادی است.

۲. ضرورت ایجاد کمیسیون حقیقت‌یاب مستقل

در مواجهه با گزارش‌های جانبدارانه و نقایص عملکردی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایجاد کمیسیون حقیقت‌یاب مستقل امری ضروری است تا به صورت بی‌طرفانه و دقیق، به بررسی عملکرد و تصمیمات این نهاد بپردازد. کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در حقوق بین‌الملل سابقه طولانی در نظارت بر تخلفات سازمان‌ها و دولت‌ها دارند و نقش مهمی در ارتقای شفافیت و پاسخگویی ایفا می‌کنند. چنین کمیسیونی می‌تواند با جمع‌آوری شواهد، شنیدن اظهارات ذی‌نفعان و تحلیل فنی و حقوقی، به شناسایی نقاط ضعف، انگیزه‌های سیاسی و تخلفات احتمالی آژانس کمک کند.

و پیشنهادات اصلاحی و ضمانت‌اجراهای لازم را ارائه دهد (Hayner, ۲۰۱۱). همچنین، استقلال و بی‌طرفی این کمیسیون موجب افزایش اعتماد جامعه بین‌المللی به روند بررسی‌ها و کاهش اثرگذاری فشارهای سیاسی می‌شود (Rautsi, ۲۰۱۳ & Cowan). بنابراین، تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب مستقل می‌تواند گام مهمی در اصلاح عملکرد آژانس و پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی در آینده باشد.

۳. الزام شفاف‌سازی، اصلاح ساختار گزارش‌دهی و تقویت بی‌طرفی فنی

برای ارتقای کارآمدی و مشروعیت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، الزام به شفاف‌سازی کامل در روند جمع‌آوری و انتشار اطلاعات از اهمیت حیاتی برخوردار است. گزارش‌های این نهاد باید براساس داده‌های مستند، قابل راستی‌آزمایی و عاری از هرگونه گرایش سیاسی تنظیم شوند تا اعتماد کشورهای عضو و جامعه بین‌المللی حفظ شود (Kleinfeld, ۲۰۱۷). اصلاح ساختار گزارش‌دهی آژانس می‌تواند شامل تقویت نظارت مستقل داخلی، ایجاد مکانیزم‌های بازبینی گزارش‌ها و افزایش مشارکت کارشناسان بی‌طرف از حوزه‌های مختلف فنی و حقوقی باشد. همچنین، حفظ و تقویت بی‌طرفی فنی مستلزم محدود کردن نفوذ سیاسی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تضمین استقلال کارشناسان است، چرا که هرگونه جانبداری می‌تواند به مخاطره انداختن نقش بی‌طرفانه آژانس و تبدیل آن به ابزاری سیاسی منجر شود (Smith, ۲۰۱۹). در نهایت، چنین اصلاحاتی نه تنها به شفافیت و صحت عملکرد آژانس کمک می‌کند، بلکه زمینه را برای همکاری سازنده میان ایران و آژانس فراهم خواهد ساخت و از تنش‌های سیاسی و حقوقی آتی جلوگیری می‌کند.

نتیجه‌گیری

این مقاله نشان داد که حمله تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی به زیرساخت‌ها، بیمارستان‌ها، منازل مسکونی، زنان و کودکان غیر نظامی ایران در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵، آن هم در بحبوحه مذاکرات حیاتی دیپلماتیک و در شرایطی که گزارش‌های پیشین و بعدی خود آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) نشان‌دهنده عدم انحراف ایران از تعهداتش بوده‌اند، نقض فاحش و آشکار اصول آمره حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصل منع توسل به زور و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها است. این اقدام نه تنها منجر به کشتار انسان‌های بی‌گناه و تخریب گسترده زیرساخت‌های حیاتی کشور شد، بلکه مصداق بارز جرم تجاوز محسوب می‌شود و مسئولیت بین‌المللی مطلق دولت متخاصم را به همراه دارد.

تحلیل این مقاله به روشنی نشان داد که گزارش مغرضانه و خلاف واقع رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، که در تاریخ ۳۱ می ۲۰۲۵ منتشر شد، عاملی کلیدی و آگاهانه در توجیه و مشروعیت‌بخشی پسینی به این تجاوز نظامی بوده است. شواهد ارائه شده حاکی از آن است که انتشار چنین گزارشی، با توجه به ابهامات فنی، فقدان مستندات قابل راستی‌آزمایی و قرار گرفتن آن در بستر تنش‌های ژئوپلیتیکی، نمی‌تواند صرفاً یک خطای فنی

تلقی شود. بلکه، سوءنیت و علم مدیرکل آژانس به پیامدهای بهره‌برداری ابزاری از این گزارش توسط رژیم صهیونیستی، وی را مشمول مسئولیت کیفری در قالب مشارکت یا تسهیل جرم تجاوز، مطابق با اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، می‌سازد. مصونیت عملکردی، هیچگاه نمی‌تواند سپر دفاعی برای مقامات بین‌المللی در قبال ارتکاب یا تسهیل جرایم بین‌المللی باشد.

علاوه بر مسئولیت فردی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان یک نهاد بین‌المللی، به دلیل تخطی از اصول بنیادین بی‌طرفی، شفافیت و صحت اطلاعات در تدوین و انتشار گزارش ۳۱ می ۲۰۲۵، مسئولیت نهادی و مدنی دارد. رویه سایر سازمان‌های بین‌المللی مؤید این امر است که هیچ نهادی، حتی با مأموریت‌های حساس، نمی‌تواند در برابر پیامدهای زیان‌بار اقدامات خلاف اصول خود، مصون بماند. این تخلفات نهادی، اعتبار و مشروعیت آژانس را به عنوان یک ناظر فنی مستقل در معرض تهدید جدی قرار داده است.

در مواجهه با این نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل، جامعه جهانی مکلف به اتخاذ مواضع قاطع و اقدام عملی برای اجرای عدالت است. جمهوری اسلامی ایران و قربانیان این تجاوز، حق مشروع و قانونی پیگیری مسئولیت دولت متخاصم و اشخاص حقیقی و نهادی دخیل در این جنایت را دارا می‌باشند.

توصیه‌های سیاست‌گذاری و مدیریتی

برای احقاق حقوق پایمال شده خود و قربانیان، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از راهکارهای حقوقی و دیپلماتیک زیر به طور همزمان و راهبردی استفاده کند:

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ): ایران می‌تواند با طرح دعوا علیه رژیم صهیونیستی، نقض فاحش اصل منع توسل به زور و تمامیت ارضی خود را به دیوان ارائه دهد. همچنین، علیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز به دلیل نقض تعهدات بی‌طرفی و آسیب‌رسانی ناشی از گزارش‌های مغرضانه، امکان طرح دعوا وجود دارد. حتی در صورت عدم پذیرش صریح صلاحیت دیوان از سوی طرفین، ایران می‌تواند با استناد به معاهدات دوجانبه یا چندجانبه‌ای که شامل بندهای حل اختلاف توسط ICJ هستند، صلاحیت دیوان را ایجاد کند.

۲. دیوان کیفری بین‌المللی (ICC): ایران می‌تواند خواستار ارجاع پرونده به دیوان کیفری بین‌المللی توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد شود. در این صورت، دیوان صلاحیت رسیدگی به جرم تجاوز (علیه مقامات رژیم صهیونیستی) و مشارکت در این جرم (علیه رافائل گروسی) را خواهد داشت. اساسنامه رم، مصونیت مقامات را در برابر جرایم بین‌المللی رد می‌کند.

۳. صلاحیت جهانی در محاکم ملی: ایران یا متحدانش می‌توانند از اصل صلاحیت جهانی در دادگاه‌های داخلی کشورهایی که این اصل را به رسمیت می‌شناسند (مانند برخی کشورهای اروپایی)، برای تعقیب

کیفری رافائل گروسی و مقامات رژیم صهیونیستی دخیل در حمله استفاده کنند. این راهکار به ویژه در صورت عدم همکاری مراجع بین‌المللی یا کارشکنی‌ها، اهمیت می‌یابد.

۴. شورای امنیت سازمان ملل متحد: ایران باید با ارائه شواهد مستند از تجاوز، نقض منشور ملل متحد و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، خواستار محکومیت رژیم صهیونیستی و اتخاذ تدابیر لازم تحت فصل هفتم منشور شود. اگرچه حق وتو چالش‌برانگیز است، اما طرح موضوع و فشار دیپلماتیک می‌تواند به افزایش آگاهی جهانی و انزوای سیاسی عاملان کمک کند.

۵. مجمع عمومی سازمان ملل متحد: در صورت ناتوانی شورای امنیت، ایران می‌تواند تحت قطعنامه "متحد شدن برای صلح"، موضوع را به مجمع عمومی ارجاع دهد. مجمع عمومی، اگرچه فاقد قدرت صدور قطعنامه‌های الزام‌آور است، اما می‌تواند با صدور قطعنامه‌های قوی، اجماع جهانی را علیه تجاوز شکل داده و فشار سیاسی و اخلاقی قابل توجهی ایجاد کند.

۶. دیپلماسی قضایی و عمومی: ایران باید با ارائه گزارش‌های مستند، برگزاری کنفرانس‌های تخصصی، و جلب حمایت حقوقدانان و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، افکار عمومی و نهادهای حقوق بشری را در سطح جهان بسیج کند. این دیپلماسی می‌تواند به ایجاد بستری برای پیگیری‌های حقوقی بعدی و افزایش مشروعیت خواسته‌های ایران کمک شایانی کند.

در پایان، تضمین صلح و امنیت بین‌المللی مستلزم آن است که نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه آن‌هایی که وظایف حساس نظارتی بر عهده دارند، در قبال اعمال و گزارش‌های خود پاسخگو باشند. ضرورت ایجاد مکانیزم‌های نظارتی مستقل، از جمله کمیسیون حقیقت‌یاب بی‌طرف، و اصلاحات ساختاری در آژانس برای تقویت بی‌طرفی فنی و جلوگیری از نفوذ سیاسی، بیش از پیش آشکار می‌شود. تنها با پاسخگو دانستن عاملان و تسهیل کنندگان تجاوز، و بازگرداندن اعتماد به نهادهای بین‌المللی، می‌توان از تکرار چنین فجایعی جلوگیری و حاکمیت قانون را در عرصه روابط بین‌الملل اعاده کرد.

منابع و مأخذ

- Boisson de Chazournes, L. (2012). The IAEA Safeguards System and the Right to Nuclear Energy. *European Journal of International Law*, 23(2), 327–344. <https://doi.org/10.1093/ejil/chs030> (Accessed June 25, 2025)
- Bassiouni, M. C. (2013). *International Criminal Law* (3rd ed.). Brill Nijhoff.
- Cassese, A. (2008). *International Criminal Law* (2nd ed.). Oxford University Press.
- Crawford, J. (2002). *The International Law Commission's Articles on State Responsibility: Introduction, Text and Commentaries*. Cambridge University Press.
- Deeks, A. S. (2010). Accountability for the Use of Force in International Law. *Harvard International Law Journal*, 51(1), 87–146.

Fitzpatrick, M. (2016). *The Iran Nuclear Agreement: A Framework for Stability or Tension?* International Institute for Strategic Studies.

Joyner, D. (2011). *Interpreting the Nuclear Non-Proliferation Treaty*. Oxford University Press.

Kerr, P. (2023). IAEA safeguards reports and the politics of compliance. *Nuclear Law Bulletin*, 111, 1–12.

Schabas, W. A. (2016). *An Introduction to the International Criminal Court* (5th ed.). Cambridge University Press.

Smith, K. E. (2019). The political economy of international organizations: Strengthening the IAEA's technical neutrality. *Global Governance*, 25(4), 485–504.

Talmon, S. (2013). The responsibility of international organizations: Does the European Court of Human Rights matter? *Baltic Yearbook of International Law*, 12(1), 25–62.

International Court of Justice. (1986). Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States), Merits, I.C.J. Reports 1986.

International Court of Justice. (2004). Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004.

International Criminal Court. (2014). Prosecutor v. Germain Katanga, Judgment pursuant to Article 74, ICC-01/04-01/07.

International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia. (1995). Prosecutor v. Dusko Tadić, Decision on Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, Case No. IT-94-1-T.

Rome Statute of the International Criminal Court. (1998). Articles 5–8 bis, 25, 27. <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/RS-Eng.pdf> (Accessed June 25, 2025)

Statute of the International Atomic Energy Agency. (1956). Articles II–III, VII–VIII. <https://www.iaea.org/about/statute> (Accessed June 25, 2025)

United Nations. (1945). Charter of the United Nations.

United Nations General Assembly. (1974). Definition of Aggression, Resolution 3314 (XXIX).

United Nations General Assembly. (2005). World Summit Outcome Document, A/RES/60/1.

International Atomic Energy Agency. (2018). *Guidelines for the Preparation of Safeguards Reports*. Vienna: IAEA.

International Atomic Energy Agency. (2025, June 15). GOV/2025/34: Report by the Director General: Verification and Monitoring in the Islamic Republic of Iran. <https://www.iaea.org/sites/default/files/gov2025-34.pdf> (Accessed June 25, 2025)

International Law Commission. (2001). *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*, with commentaries. Yearbook of the ILC, 2001, vol. II, Part Two. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/draft_articles/9_11_2001.pdf (Accessed June 25, 2025)

United Nations Joint Inspection Unit. (2017). *Standards and Guidelines for Reporting by International Organizations*.

United Nations Office of Legal Affairs. (2005). *Responsibility of International Organizations*. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/draft_articles/9_11_2011.pdf (Accessed June 25, 2025)